

نفت

اعتیادی خطرناک

منبع: THE ECONOMIST DECEMBER 15, 2001

مترجم: پگاه بهبهانی



کنترل بگیرد، نیروهای نظامی خود را برای مقابله با عوامل مشکل ساز و محافظت از میادین نفتی به منطقه اعزام می‌دارد. اما اکنون احتمال این است که گروه‌های تروریستی دارای تسلیحات هسته‌ای باشند که در این صورت هم قادر به تهاجم علیه آمریکا و یا علیه میادین نفتی خود هستند.

با وجود این، دلیل واقعی برای نگرانی، مساهمتی بلندمدت دارد. زیرا که جهان برای حمل و نقل بسیار وابسته به نفت مانده است و هیچ نوع اختلال و بی‌انضباطی در تامین نفت را نمی‌تواند تحمل کند و احتمال قوی برای بروز اختلال در تامین نفت، مثل یک شوک عرضه، در دهه‌های آینده وجود دارد. حال چگونه ایالات متحده بر این شوک‌های عرضه نفت غلبه خواهد کرد؟

نفت در دست‌های کم‌شمار

نفت کمیاب نیست. هنوز نفت به اندازه کافی در زیرزمین، برای چندین دهه، برای چرخاندن چرخ‌های جهان وجود دارد. مشکل این است که قسمت اعظم نفت و تقریباً تمامی نفتی که

رویسارویی بین اوپک و روسیه که بزرگترین صادرکننده خارج از کارتل محسوب می‌شود، بازار نفت را برای مدت کوتاهی به لبه سقوط کشاند.

به نظر می‌رسد تنها بن‌لادن (رهبر شبکه القاعده) قادر است بهای ثابتی را برای هر بشکه نفت تعیین کند. او قیمت هر بشکه را ۱۴۴ دلار برآورد می‌کند. چندین سال قبل بن‌لادن بیانییه کوتاهی درباره اقتصاد انرژی صادر کرد که در آن، ایالات متحده را متهم به بزرگترین دزدی تاریخ برای حضور نظامی خود در عربستان سعودی به‌منظور پایین نگهداشتن قیمت نفت کرد. از نقطه نظر او، این سرقت بالغ بر ۳۶ تریلیون دلار می‌شود. او تاکید داشت که آمریکا به هر مسلمان در دنیا ۳۰ هزار دلار بدهکار بوده و هنوز هم به این بدهی اضافه می‌شود.

بعد از ماجرای ۱۱ سپتامبر، کارشناسان امنیت انرژی، به‌طور کلی بن‌لادن و همفکرانش و تروریست‌ها را همواره در خاطر حفظ کرده‌اند. آمریکا می‌پنداشت که اگر یک گروه یا رژیم متخاصمی حوزه‌های نفتی خاورمیانه را تحت

دنیا به‌طور فزاینده‌ای وابسته به نفت خاورمیانه است. بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر، این واقعیت را باید یک علامت خطر تلقی کرد یا امری بدیهی؟

هر بشکه نفت چقدر ارزش دارد؟ در خاورمیانه هزینه استخراج هر بشکه نفت از چاه یک دلار تمام می‌شود. با افزودن یک حاشیه سود خوب و مناسب، هنوز هم قیمت فروش آن بیش از آنچه تصور می‌کنید پایین و متعادل است. با وجود این، بخشی از نفت جهان از نقاط دور و با قیمت گران تامین می‌شود. سال گذشته قیمت نفت به‌طور متوسط به بشکه‌ای ۲۷ دلار رسید.

این دانش زمین‌شناسی نیست که قیمت نفت را تعیین می‌کند و تعامل عرضه و تقاضا نیز نقش کمی دارد. اساساً خواست و میل اوپک (سازمان کشورهای صادرکننده نفت) که یک کارتل بی‌نظم است و توسط کشور عربستان سعودی هدایت می‌شود، قیمت نفت را تعیین می‌کند. تعجب اینکه قیمت نفت در سه سال گذشته مرتباً در نوسان بوده است. اخیراً به دنبال ضعف اقتصاد جهان، قیمت‌ها تا بشکه‌ای ۱۷ دلار سقوط کرد.

استخراجش ارزان است، زیسر مساهه‌های صحراهای تعدادی از کشورهای اطراف خلیج فارس قرار دارد.

امروزه عربستان سعودی به تنهایی روی یک چهارم مخازن نفتی شناخته شده جهان قرار دارد و ۴ کشور همسایه عربستان هرکدام ۱۰٪ ذخایر نفت جهان را در اختیار دارند و چون سعودیها نمی‌خواهند همان قدر که قادر به تولید نفت هستند استخراج و تولید کنند، سهم اوپک از صادرات نفت ۴۰٪ مانده است، که این میزان برای کنترل کامل قیمت‌ها موثر نبوده است. با تخلیه شدن ذخایر نفت غیروپک ادامه این سهم به نحو چشمگیری بالا رفته و به دنبال آن قدرت بازار رژیم‌های خاورمیانه نیز افزایش خواهد یافت و به احتمال زیاد در جریان تامین نفت نیز اختلال حاصل خواهد شد. این تهدید خصوصاً برای ایالات متحده که هم بزرگترین مصرف‌کننده نفت و هم عملاً ضامن جریان نفت برای هم‌پیمانانش است، حادث تر خواهد شد.

تعجبی نیست اگر سعودیها انکار می‌کنند که در افق آینده نفت، امکان بروز شوک نفتی وجود دارد. وزیر نفت عربستان سعودی، علی النعیمی در سال قبل گفت: «نفت یک بازار جهانی است.» «کسانی که ناامن بودن مسیر انتقال نفت خطرات وابستگی به واردات و عدم ثبات انتقال نفت، خلیج فارس را اشاعه می‌دهند، واقعیتها را نادیده گرفته‌اند» او خاطرنشان می‌کند که کشورش به طور عمد، بستری از ظرفیت اضافی نفت را برای مقابله با هر اختلال در عرضه حفظ می‌کند. او همچنین خاطرنشان کرد که همین سپهر حمایتی، و نه تولید کشورهای غیروپک بود، که در زمان انقلاب ایران، جنگ ایران و عراق و جنگ خلیج فارس به کمک آمد.

همه اینها درست است، اما اگر رژیم سعودی توسط یک رژیم ضدغربی از بین رود، چه خواهد شد؟ جای نگرانی نیست، طبق صحبت‌های جان براون، ریاست شرکت بریتیش پترولیوم (نفت انگلیس): «به هر جهت بنیادگرایان رژیم‌هایی هستند که برای حمایت و مراقبت از مردم خود در حال و آینده نیاز به پول دارند.» به هر حال اختلال کوتاه‌مدت نفت می‌تواند صدمات گسترده و خسارات نامحدودی را به اقتصاد جهان وارد کند. هنگامی که انقلابیون ایران، شاه را از سلطنت خلع کردند، صادرات نفت ایران قطع گردید. همچنین ممکن است پاره‌ای از انقلابیون آینده برای تنبیه غرب، با

خودداری از صادرات نفت، درآمدهای نفتی را از دست بدهند و حتی راضی باشند در فقر زندگی کنند.

دونالد لوسمن در یک مقاله تحریک‌آمیز که توسط موسسه کاتو وابسته به گروه‌های کارشناسان سیاسی - اقتصادی انتشار یافت، از این هم فراتر می‌رود. او با دلایل متقن بحث می‌کند که درد ناشی از شوک‌های قبلی نفت بیشتر به سیاست‌های احقانه دولتهای غربی در پاسخ به قطع و اختلال در عرضه نفت مربوط می‌شود. براساس برآوردی، آمریکا ۳۰ تا ۶۰ میلیارد دلار در سال برای تامین امنیت منابع نفت خاورمیانه هزینه می‌کند، اگرچه واردات آمریکا از نفت منطقه در سال ۱۹۹۰ تنها حدود ۱۰ میلیارد دلار بوده است. او همچنین خاطرنشان کرده است، نیمه هادیها که ستون فقرات اقتصاد دیجیتال هستند اکثراً از تاپوان می‌آیند اما سربازان و نیروهای آمریکایی، کارخانجات تراشه (CHIP PLANTS) را محافظت نمی‌کنند.

بی‌همتایی نفت

اما نیمه‌هادیها اصلاً شباهتی به نفت ندارند. اقتصاد آمریکا می‌تواند بدون نیمه‌هادیهای جدید برای مدتها اداره شود. اما این اقتصاد وقتی که جریان نفت برای لحظه‌ای قطع شود به یک رکود شدید دچار می‌گردد. کارخانجات تولید نیمه‌هادیها را در هر جا می‌توان برپا کرد، اما نفت فقط در نقاط خاصی از دنیا یافت می‌شود. شورشهای نفتی بریتانیا در پاییز سال ۲۰۰۰ نشان داد که چطور به‌راحتی یک اقتصاد مدرن، زمانی که عرضه نفت قطع و یا دچار اختلال شود، می‌تواند به زانو درآید.

اگر نفت یک ماده ضروری و حیاتی است پس چرا تولیدات کشورهای غیروپک افزایش نمی‌یابد؟ جورج بوش رئیس جمهور آمریکا در ستایش از «استقلال انرژی آمریکا»، تلاش می‌کند لایحه‌ای را در کنگره آمریکا تصویب کند که به موجب آن قسمتی از پناهگاه ملی حیوانات وحشی قطب جنوب در آلاسکا به حفاری نفت اختصاص یابد. اما مصرف آمریکا آن‌چنان عظیم است که تمام نفت آلاسکا هم شکاف عمیق متکی بر ماده وارداتی نفت را برای آن کشور پر نخواهد کرد. موج چشمگیری کشفیات غیروپکی در دریای شمال، آلاسکا و مناطق دیگر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، به خنثی کردن قدرت قیمت‌گذاری اوپک کمک کرد. اما این میادین بزرگ نفتی در حال کاهش سریع میزان ذخایر



خود هستند. بخشی از علت کاهش نفت این میادین به خاطر قدمت این منابع است. برای مثال در دریای شمال ۷۰٪ تا ۹۰٪ ذخایر بزرگترین میادین نفتی مصرف شده‌اند و بخش دیگر، مربوط به تکنیک‌های مدرن و چشمگیری است که به شرکت‌های بزرگ نفتی جهان اجازه می‌دهند که با استفاده از این تکنیک‌ها، میزان ذخیره و بازیافت خود را بهبود داده و تولیداتشان را افزایش دهند و این باعث کاهش سریع ذخایر میادین نفتی شده است.

هاری لانگول مدیر ارشد اگزون موبیل به تشکیل یک موج جدید توسعه غیروپکی از دریای خزر تا عمق آبهای خلیج مکزیکو به‌طور تکنیکی، تاکید می‌کند. اما او می‌گوید برای این کار نیاز به سرمایه‌گذاری عظیمی است. چه مقدار؟ آژانس بین‌المللی انرژی این میزان را برآورد کرده و اعلام داشته است که کمپانی‌های بزرگ نفتی لزوماً باید میلیاردها بر یک تریلیون دلار در دهه آینده سرمایه‌گذاری کنند. تولید میدروکربن‌های غیرمتعارف، مانند قیرهای سیاه کانادایی (CANADA'S TAR SANDS) حتی

سوختی سلولی و غیره را استفاده کنند، کاهش بیشتر در مصرف نفت را به دنبال خواهد داشت.

شوکها و مالیاتها

اگرچه دنیایی که از سلولهای سوختی (که ترکیبی از هیدروژن و اکسیژن برای تولید الکتروسیته است) قدرت گرفته است، خصوصاً زمانی که تجهیزات آمریکایی با استانداردهای بالای سوختی مجهز شوند، دهها سال دورتر از زمان حال پیشبینی می‌شود، ولی بهترین راه تشویق برای توسعه مصرف سوختهای موردنظر در حمل و نقل و تکنولوژی از طریق وضع قوانین مالیاتی است. که این قوانین منعکس‌کننده ریسک «امنیت انرژی» (به جای خطرات سلامتی و محیط‌زیست) مصارف سوختی است. اروپا این مطلب را تشخیص داده و در دهه‌های گذشته شروع به وضع قوانین مالیاتی در این خصوص کرده است. به عنوان مثال، مالیاتی برای تجهیزاتی که از خود تشعشعات گرمایی صادر می‌کنند، در نظر گرفته است.

پنهان‌سازی وجود دارد که آمریکا نیز شروع به مقابله با اعتیاد نفتی خود کند؟ جیمز شلزیگر وزیر سابق انرژی آمریکا می‌گوید، او هنوز پیشنهاد افزایش مالیات نفتی گذشته را تکرار می‌کند. کاپیتال هیل، نیز بیان می‌کند که زمان زیاد تسهیل نکرده است. بعد از اینکه هیئت NAS (آکادمی علوم ملی آمریکا) گزارش اولیه‌ای را تهیه کرده بود از پل پورتنی (رئیس NAS) برای تعیین هیئت کنگره، دعوت به عمل آمد. جورج آلن سناتور ویرجینیا، به صراحت ناخوشنندی خود را با پیشنهادات گزارش این کنگره که عنوان کرده بود، به کارگیری سوخت فسیلی به سادگی می‌تواند با تاکید بر مقررات CAFE حذف شود، ابراز کرد. از پورتنی سوال شد که آیا هیچ راه دیگری برای افزایش یا بهبود کارایی سوخت، بدون اینکه به تنوع بازار سوختی آسیبی برسد، وجود دارد یا خیر؟

پورتنی گفت: بله، شما بایستی افزایش شایان توجهی در مالیات فدرال نفت ایجاد کنید. آلن سناتور ویرجینیا، حیرت‌زده گفت، تصور این است که فقط غفلت آشکاری وجود دارد. سناتور جان کری، رئیس هیئت کنگره با ناامیدی می‌گوید «من می‌توانم سرمقاله فردا را ببینم: سناتور ویرجینیا اروپایی‌ها را نادان می‌نامد یا شاید بدتر! اما آلن متاسف و پشیمان نبود. یقیناً راه دور از وابستگی به نفت اوپک و خاورمیانه بسیار طولانی خواهد بود. □

تقریباً یک گلوگاه انحصاری بر روی مسئله حمل و نقل است. بهترین کاری که دولت‌ها می‌توانند انجام دهند این است که در مقابل توقف ناگهانی عرضه نفت که ملهم از تصمیمات سیاسی است، خود را بیمه و در مقابل شوکهای اقتصادی به جمع کردن ذخایر نفتی و یا توسعه آن اقدام کنند.

تمام این عوامل مهم هستند. زیرا تخییرات ساختاری در صنعت نفت (مانند: ادغام شرکت‌های بزرگ با یکدیگر، کاهش هزینه‌ها و حرکت به سوی انبارداری بهنگام (JUST-IN-TIME) بدان معنی است که سطح ذخایر نگهداری شده نسبت به دهه ۱۹۷۰ کاهش یافته است. به علاوه، در صورت عدم توجه به ذخیره رسمی دولت، شما به دنیایی خواهید رسید که بدون شک با شوک نفتی بعدی آسیب بیشتری خواهد دید.

بوش اکنون شروع به بازنگری استراتژی ذخایر نفتی آمریکا کرده است. ذخیره‌سازی نفت نیز بعد از سال‌ها بی‌توجهی نسبت به آن، هم‌اکنون به‌طور قاطع در برنامه‌های سیاسی آمریکا گنجانده شده است. اما هنوز در استراتژی ذخیره‌سازی و حفاظت از ذخایر نفتی مشکلات و عقب‌نشینی‌هایی وجود دارد. ممکن است موضوع ذخیره‌سازی به معنی پویایی و دادوستد کمتر تلقی شود. اما راه بهتری که پیش‌رو است، افزایش میزان راندمان انرژی است. هم‌اکنون ایالات متحده حدود ۱۱ میلیون بشکه نفت در روز، یعنی چیزی در حدود یک هفتم تولید جهان را وارد می‌کند. فیلیپ ورلگر اقتصاددان، پیش‌بینی می‌کند، در صورتی که آمریکا سعی در اصلاح راندمان سوختی خود بعد از شوکهای قبلی کند، ارقام واردات نفت آمریکا فقط ۵ تا ۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

یک معیار برای ارزیابی راندمان انرژی، تقویت قوانین اقتصاد سوخت متوسط (CAFE) است که در آن بیان شده است: افزایش بهره سوخت برای اتومبیل و بستن مسیرهایی که باعث افزایش مصرف سوخت کامیون‌های سبک و وسائط نقلیه عمومی می‌شود در افزایش راندمان انرژی مفید است. تحقیقات و مطالعاتی که به وسیله آکادمی علوم ملی آمریکا در سال جاری انجام شده است، اطمینان می‌دهد که با تکنولوژی‌هایی که در اختیار است کاهش مصرف سوخت تا ۲۰٪، به راحتی امکان‌پذیر باشد. بعضی از وسائط نقلیه می‌توانند تا ۵۰٪ در صرفه‌جویی سوخت نقش داشته باشند و چنانچه تکنولوژی‌های جدید، مانند باتریهای

هزینه استخراج هر بشکه نفت در خاورمیانه یک دلار است.

امروز جهان هیچ نوع اختلال در تامین نفت را تحمل نمی‌کند.

به احتمال قوی شوکهای نفتی برای نوسیدن به موقع نفت به مصرف‌کنندگان در آینده نیز وجود خواهد داشت.

اختلال کوتاه مدت نفت می‌تواند خسارات نامحدودی به اقتصاد جهان وارد آورد.

ایالات متحده سالانه ۳۰ تا ۶۰ میلیارد دلار برای تامین امنیت منابع نفت خاورمیانه هزینه می‌کند.

اقتصاد آمریکا در صورت قطع جریان نفت، دچار یک رکود شدید خواهد شد.



ممکن است میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز را افزایش دهد. با توجه به اینکه زمان بیشتری برای ورود این ماده به بازار مورد نیاز است، نشان‌دهنده این واقعیت است که ارزش این ماده از میزان سرمایه‌گذاری انجام شده برای آن کمتر است. به عبارت دیگر، نگرانی اصلی، کمیابی هیدروکربن‌ها نیست بلکه هزینه و ریسک تجارتی بسیار بالای یافتن مخازن نفتی غیر اوپکی است.

حتی با نگرش خوشبینانه به دستیابی صنایع نفتی غیر اوپک که می‌توان در این چالش با آن مواجه شد، مسئله اینجاست که هنوز هم به طور چشمگیری در ۲۰ سال آینده وابستگی به منابع نفتی اوپک افزایش خواهد یافت. در پاسخ به عطش نفتی جهان، پیش‌بینی می‌شود که عربستان سعودی و همسایگانش به سرمایه‌گذاری‌های عظیمی نیاز دارند تا میزان عرضه نفت به بازار را افزایش دهند. اگر آنها سرمایه‌گذاری نکنند این مصرف‌کنندگان جهان هستند که هزینه آن را پرداخت خواهند کرد.

صرفه‌جویی و ذخیره‌سازی چه اقدامی باید کرد؟ بدبختانه مواد نفتی